

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه - کابل

۱۱ اکتوبر ۲۰۱۹



قصه مغز و چارمغز بچه کاکاها

در سالنگ دو بچه کاکا، دو بوجی چارمغز داشتند. میخواستند چارمغزها را بین خود تقسیم کنند ولی هرچه کردند نتوانستند دو بوجی چارمغز را بالای دو نفر مساوی تقسیم کنند. بعد از مدت‌ها کالمکال، مرکه و دعوا به این نتیجه رسیدند که اول مغز خود را تقسیم کنند، بعد به سراغ چارمغزها بروند. پشک انداختند، نوبت اول از بچه کاکا برآمد. کار پیچیده‌تر شد. چون هر دو بچه کاکای یکدیگر می‌شدند، حیران ماندند که مغز کدام یکی را اول تقسیم کنند. از این طرف او بچه کاکا معلوم می‌شد و از آن طرف این. هر دو شله بودند که اول باید مغز من تقسیم شود.

بالاخره بوجی‌های چارمغز خسته شدند و هر کدام به پای یکی از پسران کاکا افتادند تا شاید بچه کاکاها متوجه شوند که تقسیم دو بوجی چارمغز بالای دو پسر کاکا زیاد سخت نیست و هر کدام یکی از بوجی‌ها را پشت کرده به خانه برود. اما بچه‌های کاکا گپ بوجی‌های چارمغز را طور دیگر فهمیدند و تصور کردند اول باید مغز همان بچه کاکائی تقسیم شود که بوجی اول پیش پایش افتاده بود.

بچه کاکای دومی جمجمه بچه کاکای اولی را باز کرد و با کمال تعجب دید که مغز هم مثل بوجی و بچه‌های کاکا دوتائی است. مغز مثل چارمغز را کشید و روی سینه بچه کاکای مرده گذاشته گفت: بچه کاکا نشد. مغز هم دوتاست، چه رقم تقسیم کنیم؟

بچه کاکای مرده دیگر مغز نداشت که گپ بزند، و بچه کاکای زنده گپ نداشت که با مغز بچه کاکا و چارمغزها چه کند. بوجی‌های چارمغز کنار جسد بچه کاکای مرده دراز کشیدند و بچه کاکائی که گپ نداشت پیش آهنگر رفت تا مغز خودش را کشیده ببیند چند تاست.